

گفتگو با سید حسن اسلامی: استاد دانشگاه و دین پژوه لازمه دین پژوهی: تفکیک تبلیغ از تحقیق

حجت الاسلام دکتر سید حسن اسلامی، دانش آموخته حوزه علمیه است و مدرک دانشگاهی دکتری فلسفه دین هم دارد. اسلامی با تأکید می گوید: وقت خود را صرف تحقیق در زمینه اخلاق کاربردی به ویژه اخیراً مصروف اخلاق زیستی می کند. در بهمن ماه سال ۱۳۸۴، پژوهش وی با عنوان «شبه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام» جایزه «رتبه برگزیده» پژوهش های دینی شد. علاوه بر این سید حسن اسلامی حدود ۱۰ جایزه پژوهشی را در کشور از آن خود کرده است. از این پژوهشگر حدود ۹۰ مقاله و ۲۰ عنوان کتاب تالیفی و ترجمه ای تاکنون انتشار یافته است. قرار گفتگوی اول ما ابتدا در قم گذاشته شد. اما بعد به دیداری در دانشگاه شهید بهشتی منجر گردید؛ ساعت ۱۱ در مرکز حقوق بشر، صلح و دموکراسی این دانشگاه. در ساعت تعیین شده به هم رسیدیم. در جایی به نسبت با سروصدا که همکارانش نیز هر یک سرگرم کار و گفتگو بودند اما در محیطی علمی. درست در پایان گفتگو فضای مشجر دانشگاه شهید بهشتی را آوای سرخوش کننده اذان پر کرده بود. موضوع گفتگو وضع دین پژوهشی و آفات و مشکلات پیش روی دین پژوهان در کشور بود. حاصل تقدیم می گردد.

اما در فرهنگ ما، دین پژوهی به مفهوم برون دینی یا نداریم یا کم رنگ و رقیق است. تمام محققان ما - تا جایی که می دانم در حوزه دین پژوهی کار می کنم - تعلقات دینی هم دارند.

در شاخه دوم یعنی در مطالعات درونی دینی، عمده نگاه محقق این است تا بکوشد به پرسش های برآمده از چالش های جدید و تحولات جدید پاسخ های جدید بدهد. میراث و متون دینی را به کار بگیرد تا به قرائت تازه ای در چارچوب استانداردها و مقیاس هاس اندیشه دینی برسد و مسائل تازه را حل کند.

* مطالعات دینی (درونی و بیرونی) دارای خاستگاه های متفاوتی است، پیامدهای این دو نوع مطالعات چیست؟
- پیامدها متفاوت خواهد بود. اگر نگاه من، نگاهی کاملاً

* جناب آقای اسلامی، قبل از بیان هر نکته ای، چهارچوبی از مطالعات دینی و به عبارت دقیق تر «دین پژوهی» را آن هم از دیدگاه خود مشخص بفرمائید.

- «دین پژوهی» تا جایی که من می دانم معادلی برای رشته Study of Religion وضع شده است و حوزه وسیعی از مطالعات فرهنگ دینی تا بحث های اعتقادی را شامل می شود. دین پژوهی در دو شاخه قابل تفکیک است؛

- مطالعات برون دینی

- مطالعات درون دینی

بیشتر مطالعات برون دینی مطرح است؛ یعنی من عنوان محقق بی طرف (ظاهراً بی طرف) ابعاد دین را به عنوان سوژه و موضوع، مورد تحقیق قرار می دهم.

مهمترین دلایل این است که اساساً دین به ویژه دین اسلام در جامعه جهانی به چالش جدید و به طور کلی در تحولات جدید، دین به مسئله‌ای تبدیل شده است. این مسئله سبب شده که خیلی از پژوهشگران غربی به اسلام گرایش پیدا کنند، نه این که بخواهند مسلمان شوند، به این مفهوم که درصددند این پدیده چالش خیز را بشناسند.

حجم آثاری که درباره اسلام پس از واقعه ۱۱ سپتامبر منتشر شده خیلی زیاد است مثلاً با ایجاد کرسی‌های شیعه‌شناسی یا مطالعات بنیادگرایی یا... خود به خود روش‌های جدید دین پژوهی مطرح شده است. و این بحث‌ها و روش‌ها تا به ایران برسد، زمان می‌برد. اولین نکته‌ای که در مطالعات دین پژوهی مدرن خیلی تأثیرگذار است مسئله زبان است. دانستن زبان انگلیسی یا آلمانی به طور خاص یا یک زبان اروپایی به طوری بسیار لازم و بسیار مفید است. به طور کلی از نظر فرهنگی در کشور مشکل زبان داریم. در مجموع زبان‌آموزی در ایران جایگاه خوبی ندارد.

نکته بعد این که معمولاً مطالعات کلان، باید مورد حمایت خاص قرار بگیرد باید سازمان‌های حمایتگر و موانع وجود داشته باشد. در این زمینه هم در کشور با مشکل و ضعف مواجه ایم.

مشکل بعدی در جامعه ما، غالباً به تحقیقات فردی برمی‌گردد. یعنی به جای این که هر محقق بکوشد بخشی از یک پازل را پوشش بدهد. درصدد است به طرحی با عنایت به سعی خود از ابتدا تا انتها بپردازد. گرچه اقدام فردی هم امتیازاتی دارد. بدین مفهوم که پژوهشگر می‌داند تا کجا، چگونه و تا کی پیش برود و در چه زمانی به مرحله فرجام طرحش برسد. اما آفات مهم اقدام فردی آن است، که گاهی باعث تداخل کارها می‌شود یا نمی‌توانند به دلیل عمل انفرادی به هدف‌های از پیش تعیین شده، برسند. لذا این مسائل و مشکلات سبب شده است، دین پژوهی در ایران، چندان مطلوب نباشد.

* جنابعالی تا حدی به مشکلات کار دین پژوهان در ایران اشاره کرده‌اید، اما خوب است به این موضوع دقیق‌تر و به آفات این عرصه پرداخته شود.

- آفات دین پژوهی از نگاه‌های مختلف متفاوت است. بنده این آفات را در محورهای زیر دسته‌بندی می‌کنم؛

- ۱- متولی
- ۲- پژوهشگر
- ۳- سرمایه

برون دینی باشد یعنی برای من محقق مثلاً اسلام مقوله کاملاً بیرونی است و تعلق خاطری بدان ندارم. همان‌طور این دین را بررسی می‌کنم که فرض کنید یک قبیله دورافتاده در استرالیا را بررسی می‌کنم فقط می‌خواهم حس کنجکاوی خود را ارضا کنم. ولی سعی دارم به این کنجکاوی به صورتی پاسخ بدهم که مقبول جامعه علمی قرار بگیرد یعنی از متدولوژی خاص و روش‌های دین پژوهی شناخته شده بهره بگیرم.

اما اگر نگاهم درون دینی باشد به هر حال تعلقات من طوری نیست که آنها را ندیده بگیرم. تعهد بدان دارم. این جا من سعی می‌کنم به پرسش‌هایی که اسباب دغدغه خودم و جامعه‌ام است، پاسخ بدهم، اما این دغدغه‌ها نباید مانعی باشند که از روش مقبول جهانی‌شان خالی کنم. معنای این که من متدینم، تعلقات دینی دارم این نیست تا روش‌های شناخته را به کار نگیرم، بگویم من کشف و شهودی به این نتیجه رسیده‌ام حال هر که خواست می‌پذیرد و هر که خواست نمی‌پذیرد. اگر من در جامعه علمی حضور داشته و در حال دادوستد علمی‌ام ناگزیرم از روش‌های مقبول و متداول استفاده کنم. روش‌هایی که تکرار پذیرند و هر کس آنها را دنبال کند، قابل تعریف و دفاع اند.

* به این ترتیب پرسش مقدر دیگری هم مطرح می‌شود. با توجه به زمینه‌ها ذهنی و عینی جامعه علمی و آکادمیک، که رویکرد به روش مطالعات برون دینی بیشتر است، آیا در مطالعات درون دینی، با توجه به وجود عقاید و تعلقات دینی، باید روش‌های خاصی را لحاظ کرد تا مورد توجه مجامع علمی قرار گیرد؟

- لزوماً چنین نیست. روش‌ها یکی است. فقط تعهد شخصی و شناسایی عمیق‌تر به روش‌هاست که آن‌ها را از هم تفکیک می‌کند. کسی امکان دارد تعلق خاطر شدید داشته باشد ولی روش مند نباشد و بگوید من می‌خواهم حرف خود را بزنم، کسی خواست بپذیرد یا نخواست بپذیرد. اما به هر صورت کسی که بخواهد پژوهشگر با نگاه درون دینی با برون دینی باشد باید از روش‌ها و متدولوژی تحقیق بهره گیرد تا دیگران بپذیرند. برای مثال: یک فقیه، بحث فقهی می‌کند و قطعاً ملتزم به احکام است اما در خیلی از نکات ریز و فتاوای خاص، امکان دارد به تئابجی برسد که فقهای دیگر نپذیرند. به این سبب اختلافات فقهی را شاهدیم حتی در مسئله‌ای فقهی، ممکن است فقهی حکم به وجوب و دیگری حکم به حرمت بدهد. گناهشان مطمئناً فرق می‌کند اما متدولوژی آنان می‌تواند یکی باشد. اشکال هم ندارد در حالی که اختلاف نظر دارند از روشی واحد استفاده کنند. شخص سوم هم می‌تواند همان روش را به کار گیرد. یعنی روشی که تکرارپذیر باشد و لذا نباید در مطالعه درون دینی یا برون دینی مشکل متدولوژی داشته باشیم یا مطالعه کنندگان درون دینی نتوانند با مطالعه گران برون دینی توافق داشته باشند. نه چنین نیست. باید روش‌ها مورد تأیید باشد.

* با این نگاه اکنون دین پژوهی در جامعه ما چه جایگاهی دارد؟

- به این معنی که در دین پژوهی، روش‌های جدید و رایج به کار گرفته شود نگاه جدیدی بدان شود، شاید عمر زیادی نداشته باشد لذا و به طور طبیعی تنگناهای خود را به دلایل مختلف دارد. یکی از

۴- امنیت تحقیق

۵- برون داد تحقیق

اول متولی؛ جامعه ما جامعه دینی است اگر بخواهیم بحث تبلیغات دینی بکنیم و بخواهیم مذهب تشیع را ترویج کنیم باید متولی های خاصی داشته باشد. اما اگر من مسلمان شیعی بخواهم در رده دین پژوهان قرار بگیرم و کار دین پژوهی بکنم و قصد ندارم لزوماً فکری را تبلیغ بکنم، کار من در حد تحقیق آکادمیک است. لذا باید بین نهاد متولی تبلیغ و تحقیق تفکیک قایل شد. در جامعه ما به دلیل حساسیت ها، به علت علایق خاص یا تحت هر عنوان دیگری، این دو جنبه از یکدیگر جدا دیده نمی شود. زیرا متولیان تبلیغ سر از تحقیق در می آورند و به عکس. اما اگر در سطح کلان نگریسته شود این گونه اقدام، آفتی است برای اصل پژوهش و تحقیق، زیرا سازمانی که سازمان تبلیغی است و باید به سرعت خوراک تبلیغ را فراهم سازد، به کیفیت توجه زیادی ندارد بلکه اصل را سرعت عمل قرار می دهد. لذا از کیفیت نتیجه کار کاسته می شود. این اقدام ممکن است در کار متولی تحقیق نیز تاثیر منفی داشته باشد و نهاد متولی تحقیق که خود را عقب می بیند برای جبران عقب ماندگی، درصدد ایجاد بخش تبلیغ دین برآید و سبب تداخل کارها و تکرار می شود. همه چون عرق دینی قوی دارند، احساس می کنند باید در عرصه تبلیغ دینی کای انجام دهند. وقتی همه وارد این گستره شوند، در نهایت کسی متولی اصلی نخواهد بود. این آفت، آشکارا به چشم می آید. می دانید در کشور متولی در امور بهداشتی، مشخص است. آموزش عالی هم متولی خاصی دارد اما دین پژوهی، مسئول و متولی شناخته شده و خاصی ندارد. سازمان های موازی و همپراز کم نیست.

دوم پژوهشگر؛ پژوهشگری مستلزم علایق و دغدغه های خاصی است. پژوهشگر باید همواره در پی طرح مسئله باشد. در حقیقت انسان «مسئله داری» است و در پی پیدا کردن «راه حل» آن مسئله می رود. پژوهشگر از طرح مسئله و حل آنها لذت می برد. وجود چنین روحیه ای باید از طریق آموزش به وجود بیاید تا پایدار بماند. متأسفانه نظام آموزشی ما، چنین خاصیتی ندارد. یعنی نظامی نیست که محقق پرور و پژوهش گر باشد. نظامی است که سعی می کند افرادی را پروراند که اطلاعات عمومی خوب و جامعی داشته باشند، بنائی از معلومات باشند برای انتقال آن به دیگران در مجموع در هر دو عرصه دانشگاه و حوزه این گونه عمل می شود. به همین دلیل می بینیم رده پژوهشگری در حوزه و در دانشگاه نسبت به تدریس خیلی ضعیف است. یک مدرس اعتبارش از یک محقق است. در دانشگاه می بینیم یک استاد آموزشی از یک استاد پژوهشی برتر است. و اگر کسی از عهده تدریس بر نیاید به بخش پژوهشی منتقلش می کنند. اکثر افراد هم ترجیح می دهند هیات علمی آموزشی باشند نه پژوهشی. نتیجه کار وی زود خود را نشان نمی دهد. من اگر درسی را به عهده بگیرم، ۲ واحد، ۶ واحد، ۱۰ واحد نتیجه اش در یک ترم مشخص می شود؛ کلاسی برگزار می شود، امتحانی می گیرم اوراق را تصحیح و نمره ای اعلام می کنم. ولی پژوهش اینگونه نیست. ممکن است من مسئله ای طرح کنم که حل آن ۲ سال، ۳ سال، ۴ سال زمان ببرد. خیلی مهم است. اینجا است که هم من پژوهشگر و هم کارفرمای من، باید

حوصله به خرج بدهیم. همین جا نیازهای مالی و تأمین نیازهای مالی مطرح می شود.

پس آفت سوم موجود تأمین سرمایه پژوهشی است. من پژوهشگر باید تأمین بشوم که بتوانم کار کنم. نباید نگرانی و دغدغه مالی داشته باشم. با توجه به این عوامل کار پژوهشگری، کار دشواری می شود. در تمام عرصه ها و به طور مشخص در عرصه دین پژوهی. طرف اگر بگوید من دین پژوه هستم، این انتظار را از او دارند که دیگر نباید مسائل مالی را طرح کند. می گویند شما برای خدا کار می کنید. برای خدا کار کردن بدین معنی نیست که من از امنیت مالی، رفاه مالی یا امکانات مالی برخوردار نباشم. دوست دارم کار دینی کنم، ولی به عنوان یک محقق می خواهم از همان سطوح حقوقی که یک محقق غیردینی برخوردار است، برخوردار باشم. اما متأسفانه این نکته ندیده گرفته می شود و تصور می شود، پژوهشگر باید فارغ از دغدغه های مالی و چشم داشت مالی کار بکند.

وجود این زمینه های فکری باعث می شود پژوهشگر در حوزه دین پژوهی خیلی قوی نباشد. این آفت در غرب وجود ندارد. در غرب چون نگاهشان، نگاه بیرونی است، یک پژوهشگر دین پژوهی از نظر وضع حقوقی با مثلاً یک محقق جامعه شناسی فرق نمی کند. تعلق دینی ندارد. فرصت مطالعاتی می گیرد. برای مثلاً یک آدم غیردینی و مسیحی غربی، سال ها وقت می گذارد و در مورد امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی تحقیق می کند آن هم با حمایت دانشگاه های خارجی. آنها اصلاً این مسئله را ندارند که موضوع دینی را دنبال می کنند. اصل پی گیری و تحقق است خواه موضوعی جامعه شناسی باشد، خواه موضوع دینی یا فلسفی، هیچ تفاوتی نمی کند. یعنی فرصت مطالعاتی در اختیارش قرار می گیرد و این کار انجام می گیرد. اما ما این اصل مهم را در میان جامعه دینداران خودمان متأسفانه به صورت کم رنگی مشاهده می کنیم.

چهارم نبود امنیت تحقیق در محور آفات دین پژوهشی است. من به عنوان یک شهروند، یک شیعی، یک آدمی که عقایدی دارم تعلقات و تعهداتی به دین دارم و در عمل هم پایبندش هستم. اما در تحقیق اصلی داریم. می گویند محقق باید در طول تحقیق، در روند تحقیق، عقاید خودش را، باورهای شخصی خودش را به حال تعلیق درآورد، و تعلق نگه دارد. محقق به میزانی که می تواند از پس این مسئله بربیاید و به مقداری که می تواند آن را معلق کند، در کارش موفق خواهد بود، در تعلیق گذاشتن در امور اجتماعی اینکه شدنی است یا نیست، خود بحثی است. بعضی ها می گویند اصلاً نشدنی است. اما من فرض می کنم، شدنی است. در امور علمی در امور سیاسی، در امور اجتماعی، ممکن است خیلی راحت شدنی باشد. فرض کنید می خواهم در مورد سهروردی تحقیق کنم. احتمال دارد به سهروردی هیچ علاقه ای نداشته باشم. اما به عنوان محقق وظیفه دارم، نگاه شخصی ام را توی پرانتز بگذارم و به عنوان یک محقق بدون توجه به علائق شخصی بروم به سراغ سهروردی. حتی فرض می کنیم من هوادار سهروردی ام یا ممکن است شیفته ملاصدرا باشم ولی باید به گونه ای رفتار کنم که گویی هیچ علاقه ای به ملاصدرا ندارم. این روش مرسوم و متداولی است. اما در حوزه دین پژوهی این کار کمی مشکل است. یعنی من مسلمان شیعی هنگامی که

کنم. ولی دیگری می گوید من مسلمانم می خواهم چهره خوبی از اسلام و تشیع در جهان امروز ارائه کنم. هر کس با غرضی این کار را انجام می دهد اما من که این کار را انجام می دهم باید از متدولوژی متداول استفاده کنم. از روش شناخته شده علما بهره بگیرم. و در حال تحقیق هم آن باورهای خودم را معلق نگاه دارم. یعنی باور به حقانیت تشیع، باور به درستی دین سرچایش هست اما اکنون این باور را در پراتز می گذاریم تا ببینیم نتیجه تحقیق چیست. بدان معنی نیست که من از دین خود، از آموزه های دینی خود دست برداشته ام، نه، فقط معلقش کرده ام. در قرآن کریم هم داریم؛ آن جا که پیامبر اکرم (ص) بحث و محاجه با کفار می کند، خداوند به او دستور می دهد: «قل الله و انا او ایاکم لعلی هدی اوفی ضلال مبین» (سبا/ ۲۴) یا من یا شما بر حقیم. حال بیاید بحث کنیم. اگر همان اول من بگویم من بر حق و شما بر باطل اید، دیگر جای بحث و تحقیق وجود ندارد. اگر من بدانم همه چیز در اسلام هست و قطعاً هم هست و درست هم است، پس من تحقیق برای چه کاری بکنم. هنگامی تحقیق می کنم که احساس کنم جایی ابهامی وجود دارد. آن چه در اسلام هست و باید بیان شود، تبیین نشده. روشن نشده. مبهم است. تعارض ظاهری دارد. من اینها را باید تحقیق بکنم. پس من فعلاً باورهاییم را تعلیق می کنم تا بتوانم تحقیق را انجام بدهم.

اما پنجم برون داد تحقیق. در تحقیق، همان طور که روند تحقیق کند است، گاهی وقتها اثر تحقیق، نتیجه ای که از تحقیق حاصل می شود، ممکن است نه تنها سرمایه ای را که صرف تحقیق شده برنگرداند، بلکه سرمایه سوز نیز باشد. یعنی من ۵ سال روی یک موضوعی تحقیق می کنم، نتیجه تحقیق من یک کتاب ۵۰۰ صفحه ای است، این را با هزینه کلانی چاپ می کنم، بعد ۵۰۰ نسخه آن هم به فروش نمی رود. معنی آن از بین رفتن سرمایه مادی است. این نکته ای است که در مورد خیلی از تحقیق ها، به خصوص تحقیق هر چه بنیادی تر باشد، هر چه آکادمیک تر باشد، هر چه نظری تر باشد وجود دارد. و این موضوع در یک سری از جوامع جاافتاده است. در جوامعی پذیرفته شده که دریافته اند برون داد تحقیق فقط این نیست که لزوماً سرمایه ها را برگرداند. بلکه ما باید کار تحقیقی خود را انجام دهیم، عدم برگشت سرمایه هم بخشی از کار ما است و هیچ مهم نیست که این تحقیق من، کتاب من فروش برود یا نه. ولی در برخی از جوامع هنوز به این درک نرسیده اند. به خصوص در جامعه ما به حاصل برون داد خیلی توجه می شود، که حتماً بخشی از سرمایه ما را برگرداند و حتی سودی را تامین کند. این تحقیق را من از همان اول تعرف کردم. به مؤسسه و سازمان مربوطه گفتم تحقیق من آکادمیک و بنیادی است و کاربردی هم فعلاً ندارد. مخاطبش هم ۵۰۰ نفر است. سفارش دهنده اول تحقیق بنیادی را قبول می کند ولی آخر وقتی کار ارائه می شود، می بیند کار خیلی حجیم است، می گوید اگر صرف می کند بده من چاپش کنم. این باعث می شود که محقق بگوید من ۵ سال تلاش کردم، با این امید که بتوانم کار خودم را به جامعه علمی عرضه کنم. اگر عرضه نشود، چی برای من محقق نوعی می ماند! این جریان باعث دلسردی می شود و باعث می شود به جای اینکه من به کارهای بنیادی رو بیاورم، کشیده بشوم به طرف کارهایی که تبلیغی تر باشد، تجاری تر باشد، کاربردی تر باشد و زودتر برون دادش خودش را نشان بدهد.

می خواهم یک موضوع دینی را مورد تحقیق قرار بدهم باید فرض را بر این بگذارم. که اصلاً به این نکات باور ندارم. ممکن است فرض خیلی خطرناکی هم باشد. در بخش هایی از جامعه این پختگی وجود ندارد، تصور می شود اگر من به عنوان محقق در مورد مسئله ای تاریخی، دینی یا مسایل دیگر، نکته ای را مطرح کرده ام، خودم به عنوان یک فرد متدین، یک شیعه آن نکته را قبول دارم، آن وقت نتیجه گرفته می شود، اعتقاد سست شده و سست اعتقاد، تنش هایی که در سال های اخیر به وجود آمده، برخی از علما حرف هایی در این باب زده اند و در داخل و خارج کشور بازتاب منفی داشته به سبب همین تصور بوده است. فردی یک نکته تاریخی را از منظر تحقیقی و به عنوان یک محقق گفته است، امکان دارد آن حرف نادرست باشد و احتمال خدشه در آن برود ولی به صرف زدن حرفی، تمام پیشینه و تعلقات دینی اش نادیده گرفته می شود و مورد تهاجم قرار می گیرد. به او توهین می کنند. تحقیر می شود تا حدی که ناچار می شود حرفش را پس بگیرد.

این نوع حساسیت در امور دینی در جاهایی خاص لازم است اما به هر حال همه ما علایقی داریم نباید این نکته را فراموش کنیم. اما در عرصه تحقیق باید برخورد دقیق باشد اگر بدون توجه به کار پژوهشگری با او برخورد شود، خیلی از افرادی که توانایی دارند، قدرت علمی دارند، استعداد ورود به میدان تحقیق را دارند، به سراغ این فضاها نمی روند وارد مباحث پژوهشی نمی شوند یا رهاش می کنند. در نهایت همین راه بازیگ تحقیق هم بسته می شود. امنیت تحقیق را با توجه به چنین فضایی مطرح می کنم. جامعه ما باید به آن حد از بلوغ و پختگی برسد که من اسلامی اگر وارد فضایی پژوهشی شده ام و به نتایجی رسیده ام، نباید دیگران فراموش کنند من محقق مسلمانم. من محقق مسلمان شیعه ام. امکان اشتباه را نفی نمی کنم. حدیثی هم داریم و بدان تأکید هم شده است «لَمْصِيبِ اجْرَانِ وَلَمْخَطِيْ اجْرًا وَّاحِدًا» اگر کسی برای رضا خدا در مسیری حرکت کند و به نتیجه ای برسد، دو پاداش دارد و اگر هم به نتیجه نرسد یک پاداش دارد. به خاطر نتیجه غلطی که رسیده محاکمه نمی شود. اجر او هم محفوظ است. این طور نیست که اگر نتیجه ای بدست آورد که این نتیجه نادرست بود، غلط بود، پس این آدم باید محکوم و منکوب شود.

* در تحقیق درون دینی و برون دینی به تعلیق درآوردن یا نیاوردن عقاید و دیدگاه ها مهم نیست فقط نیت محقق اهمیت دارد. شما می خواهید این نکته را بفرمایید؟ یعنی محقق که پژوهش درون دینی می کند نیت اش این است که نتیجه، مفید برای دین باشد اما برای عدم پیش داوری، عقاید خود را به تعلیق درمی آورد نه این که دست از باورهایش می کشد. ولی نزد محقق که کار برون دینی می کند، برایش مهم نیست که نتیجه مفید برای دین باشد یا نباشد. اصل تحقیق اهمیت دارد. محتمل است که هیچ باور دینی هم نداشته باشد.

- البته. حتی آن محقق که تحقیق برون دینی هم می کند، هدف خودش را دارد، هیچ کس بدون نیت نیست. هر کس غرض دارد. انسان بی غرض، سراغ تحقیق نمی رود. هر گاهی که برمی داریم برای حل مسئله است، گاهی وقت ها می گوید به عنوان محقق دانشگاه ماهی ۱۰۰۰ دلار به من حقوق می دهند. پس باید تحقیق

*** برای اینکه این مسائل بیشتر ملموس باشد و عینی لطفاً اگر مصادیقی برای خودتان یا کسانی که می شناسید اتفاق افتاده بیان کنید.**

- مصادیق خیلی زیاد داریم. من الان متأسفانه نمی توانم نام ببرم، یعنی درست نمی دانم که نام ببرم. فرض کنیم، یک زمانی یک بحثی مطرح شد، شبهاتی در مورد وجود خدا (براهین و اثبات وجود خدا) به وجود آمد. سال قبل کتابی نوشته شد، قرار شد این کتاب ترجمه شود، از انگلیسی به فارسی. در تیراژ بسیار محدود ۵۰ یا ۱۰۰ نسخه برای افرادی خاص فرستاده بشود و از آنها خواسته شود که اینها بخوانند و مطلع شوند. حالا اگر می خواهند جوابی بدهند یا حداقل در جریان بحث قرار بگیرند. چنین کاری سرمایه بر است. یعنی من بیایم سرمایه گذاری کنم. پول بدهم. کتاب ترجمه بشود و توزیع هم نشود. در سطح خیلی محدود و میان افراد خاصی پخش شود. این بحث انگیز بود که ما این همه سرمایه گذاری کنیم که آخرش چه بشود. برون داد آن چیست؟ مواردی از این دست باعث می شود خیلی از سازمان ها حاضر به سرمایه گذاری نباشند. یا فرض کنید برای اینکه ما بدانیم در جامعه دینی ما چه دغدغه هایی دینی وجود دارد، باید به مطالعات میدانی پرداخت. من نمی توانم در کتابخانه بنشینم و به نتیجه برسم. باید بروم در جامعه، نظرسنجی کنم. مصاحبه کنم. پرسش نامه توزیع کنم. به هر حال تحقیق من باید تحقیق میدانی باشد. در سطوح مختلف، دانشگاهی، حوزوی، میان قشرهای مختلف بازاری و مانند آن. این مصاحبه ها، نظرسنجی ها باید جمع شود، تحلیل شود و به نتیجه برسد. آن وقت است که دغدغه موجود در جامعه شناخته و دسته بندی می شود. خوب تمام این کارها به سرمایه گذاری نیاز دارد.

بدین صورت که تعالی فکر مورد نظر باشد در گرو چند مسئله است که همراه با انقلاب و با پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمد. یکی طرح مسئله دین توسط انقلاب جایگاه محوری دین در جامعه با انقلاب مطرح شد. این مسئله محققان دانشگاهی و حوزوی را برانگیخت. تا تأمل و فکر کنند چگونه نظر خارجی ها را معطوف به دین بکنند. درباره انقلاب اسلامی و ریشه های آن بیان داشتند این یک نکته.

نکته بعد، توجه حجم وسیعی از دانشگاهیان به حوزه و درس خواندن آن پس از انقلاب رواج یافت، به عکس افراد حوزوی بسیاری نیز به دانشگاه توجه کردند و برای فراگیری دروس دانشگاهی وارد آن شدند بعد از انقلاب مؤسساتی در حوزه تشکیل شد که تابع نظام آموزش عالی کشورند یعنی منطبق با سیستم دانشگاهی اند مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد می دهند. سیستم واحدی و پایان نامه نویسی همراه با استاد راهنما در آنها برقرار است. همچنین در چند دهه اخیر (یعنی پس از انقلاب اسلامی) زبان انگلیسی رشد چشمگیری در حوزه ها داشته و بسیاری از طلاب فاضل جوان با فراگیری زبان انگلیسی آثار خوبی را به فارسی در حوزه دین پژوهی برگرداندند.

بعد هم دین پژوهی همراه با روش ها و متدهای جدی دین پژوهی در حوزه ها مطرح شد. با چنین تحولاتی، دانش نوپای دین پژوهی، در حال گسترش در حوزه هاست. رساله های متعددی که عمدتاً تطبیقی با نگاه برون دینی است، نوشته شد. پایان نامه بنده کاملاً تطبیقی و جدید بود درباره دیدگاه مسلمانان و کاتولیک ها. خیلی از این مقوله ها مانند بحث ویتگنشتاین، زبان دینی و خیلی موارد دیگر که در حوزه دین پژوهی در غرب مطرحند به حوزه های علمیه ما راه یافت. چنین مسائلی سبب شد حجم وسیعی از دین پژوهی ما بدین سمت جهت پیدا کند. به نظر من دین پژوهی بعد از انقلاب اسلامی ما پس از آن قابل قیاس نیست.

*** از شما به خاطر شرکت در این گفت و گو تشکر می کنیم.**

ممکن است خیلی از سازمان ها زیر بار نروند. بگویند این سرمایه گذاری برای ما توجیه اقتصادی ندارد ولی اگر جامعه علمی ما متولی داشته باشد و سازمانی را با این هدف تعریف کند. و بگوید این سازمان باید در حوزه دین پژوهی کار کند و حوزه هایی را تعریف کرده و در هر حوزه نیز به میزان خاصی سرمایه گذاری کند کاری هم به برون داد آنها ندارد. بخشی کاربردی است به سرعت منتشر می شود و بخش بنیادی است و لزومی ندارد که فوراً منتشر شود. هم اکنون موارد متعددی را در ذهن دارم که کار تحقیقی پایان یافته است چون نگرانی برون داد وجود دارد هنوز در انتظار انتشار مانده اند. سازمان سفارش دهنده می گوید؛ عیبی ندارد از این که برای آماده شدن کار پژوهشی چند میلیون سرمایه گذاری کرده ام اکنون کتاب هم آماده است اما برای چاپ آن مثلاً باید پنج میلیون هزینه کنم، نمی توانم، زیرا حتی ممکن است ۱۰۰ نسخه هم به فروش نرود، بنابراین چنین کاری نمی کنم. باید دانست که منطق تحقیق منطق تجارت نیست.

*** تفاوت دین پژوهی قبل و بعد از انقلاب اسلامی چیست؟ تا چه حد با مفهوم «دین پژوهی» نزدیک به امروز کار تحقیقی می شد؟**

- نمی توانم نظر قطعی تاریخی بدهم ولی فکر می کنم قبل از انقلاب دین پژوهی در کشور نداشتیم یا خیلی خیلی ضعیف بود. چند عامل دست به دست هم داده تا دین پژوهی شکل بگیرد. قبل از انقلاب آن چه بوده، تبلیغات درون دینی بود. دین پژوهی